

ظرفیت تجاری و چشم‌انداز توسعه در روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان با استفاده از مدل جاذبه

خداوردی چنگیزی کچکلو^۱ *، گنجعلی گنجی‌او^۲، واحد عباس‌او^۱

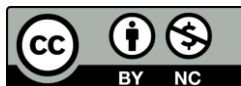
۱. گروه اقتصاد و مدیریت، دانشکده روابط بین‌الملل و اقتصاد، دانشگاه دولتی باکو، جمهوری آذربایجان.
 ۲. گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد بین‌الملل، دانشگاه کوپراسیا، باکو جمهوری آذربایجان.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: روابط بین‌الملل حوزه موضوعی: ایران و آذربایجان	روابط اقتصادی و تجاری جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان از سال‌های نخست کسب استقلال آذربایجان شکل گرفت و در مدت کوتاهی ایران به بزرگ‌ترین شریک تجاری آذربایجان تبدیل شد. اما، پس از سال ۹۸-۱۹۹۷م، روابط تجاری بین دو کشور ناپایدار شد و سیر نزولی به خود گرفت. پرسش اصلی این است: چرا دو کشور نتوانستند به وابستگی اقتصادی-تجاری متقابل و یا به وابستگی اقتصادی منطقه‌ای پایدار دست یابند؟ از جنبه‌های مختلف می‌توان به چرایی این پرسش پرداخت. در این مطالعه از منظر توسعه اقتصادی، سیاست بین‌المللی، عوامل اجتماعی و تاریخی، سطح روابط اقتصادی-تجاری دوجانبه بررسی شده و ظرفیت تجارت متقابل بین دو کشور با بهره‌مندی از الگوی جاذبه برای دوره زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۸م محاسبه و ارزیابی شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد، دو کشور علی‌رغم داشتن عوامل پیونددهنده مثبت بر روابط اقتصادی و تجاری، از قبیل نزدیکی مراکز تولید و مصرف، امکانات گسترده گمرکی و مرزی و اشتراک‌های فرهنگی و تاریخی-توانسته‌اند به‌اندازه کافی از ظرفیت‌ها و تأثیر مثبت عوامل پیونددهنده در جهت گسترش و پایداری روابط اقتصادی و تجاری خود بهره‌مند شوند. اما، نتیجه برآورد مدل ظرفیت تجارت متقابل نشان می‌دهد که در صورت استفاده بهینه از این عوامل و ظرفیت‌های موجود، روابط اقتصادی پایدارتر و حجم تجارت متقابل بین دو کشور حداقل تا دو برابر (۱۰۰ درصد) حجم فعلی جای گسترش دارد. همچنین، با رفع موانعی از قبیل مشکلات مالی و بانکی، حجم مبادلات حتی تا چندین برابر نیز توسعه خواهد یافت.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳	
واژگان کلیدی: اقتصاد جهانی، روابط تجاری، مدل جاذبه، همکاری‌های بین‌المللی.	

ارجاع به این مقاله: چنگیزی کچکلو، گنجی‌او، عباس‌او و. (۱۴۰۳). «ظرفیت تجاری و چشم‌انداز توسعه در روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان با استفاده از مدل جاذبه». *مطالعات کشورها*. ۲(۳): ۳۵۳-۳۷۷. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2024.370214.1094>

وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰
ناشر: دانشگاه تهران



نویسنده مسئول: Changizi_k@yahoo.com، <https://www.orcid.org/0009-0000-0346-5039>

این مقاله مستخرج رساله دکتری نویسنده نخست است.

۱. مقدمه

جهانی‌شدن واقعیتی است که جهان را، با تمام شرایط و هستی آن، با تغییرات ساختاری همراه کرده است، به طوری که هیچ کشوری بدون داشتن همکاری مناسب با دیگر کشورها نمی‌تواند به رشد و توسعه مطلوب خود دست یابد. بدین‌منظور تمامی کشورها برای رسیدن به رشد و توسعه و افزایش رفاه ملت‌های خود در جهت گسترش روابط علمی، فنی، اقتصادی، تجاری و بین‌المللی تلاش می‌کنند. در راهبرد توسعه همه کشورها، تجارت خارجی و بهره‌مندی از منافع اقتصاد جهانی و تجارت بین‌الملل در زمینه‌های گوناگون، به‌خصوص توسعه صادرات، جایگاه ویژه‌ای دارد. گسترش صادرات، به‌ویژه از اواسط قرن ۱۹م، به‌منظور توسعه بازار و کسب درآمدهای ارزی مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت و آن را موتور رشد و توسعه نامیدند.

گریفین، به‌نقل از رینولدز^۱، بیان می‌دارد: «رشد عمقی زمانی آغاز می‌شود که کشورها از آثار مثبت حاصل از رشد کشورهای توسعه‌یافته از طریق تجارت بین‌الملل بهره‌مند شوند. ... کشورهای معدودی طی رکود اقتصادی ۱۹۱۴ تا ۱۹۴۵م به نقطه عطف رسیدند، درحالی‌که بسیاری از کشورها طی شکوفایی جهانی در ۱۹۱۴ تا ۱۹۸۵م و ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۳م به آن دست یافتند.» وی نتیجه می‌گیرد که نقطه عطف معمولاً با افزایش فوق‌العاده در صادرات همراه بوده است (Griffin, 1999: 963). به‌همین دلیل، در کشورها، به‌ویژه کشورهای درحال توسعه که ۸۰ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند، ضمن توجه به افزایش صادرات، تغییر و اصلاح ساختار اقتصادی و تغییر کالاهای صادراتی از مواد اولیه و خام به کالاهای ساخته‌شده و صنعتی دنبال می‌شود. گسترش موافقتنامه‌های تجاری که حدود ۹۷ درصد از حجم تجارت جهانی را شامل می‌شود (تقوی و نیکزاد، ۱۳۸۷)، ایجاد انواع همکاری‌ها و بلوک‌های اقتصادی، تلاش برای عضویت در موافقتنامه‌های موجود، و ایجاد و افزایش فعالیت سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بیانگر حرکت جهان به‌سوی یکپارچگی هرچه بیشتر اقتصاد و تجارت جهانی است. به‌طور مثال، سازمان تجارت جهانی^۲ (WTO) با مشارکت ۲۳ کشور در سال ۱۹۴۸م تحت عنوان موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت^۳ (GATT) با هدف کاهش مآخذ تعرفه‌های گمرکی، حذف تبعیض

1. Liloyd Reynold

2. World Trade Organization

3. General Agreement on Trade and Tariff

در مبادلات و آزادسازی تجاری تشکیل و به سرعت رشد کرد. این تشکیلات تحت عنوان سازمان تجارت جهانی در حال حاضر با عضویت ۱۶۴ کشور جهان فعالیت می‌کند. در واقع، تمامی اقتصادهای بزرگ جهان عضو این سازمان هستند؛ باقی هم متقاضی عضویت در آن هستند. حدود ۹۵ درصد از کل تجارت بین‌المللی توسط کشورهای عضو این سازمان صورت می‌گیرد.

همچنین، سازمان جهانی گمرک^۱ (WCO) سازمانی بین‌الدولی است که در سال ۱۹۴۸ م پایه‌گذاری و در سال ۱۹۵۲ م تحت عنوان شورای همکاری گمرکی^۲ (CCC) رسماً تأسیس شد و با عضویت ۱۷ کشور شروع به کار کرد. با گسترش فعالیت‌ها و اعضای آن در سال ۱۹۹۴ م به سازمان جهانی گمرک تغییر نام داد. در حال حاضر، ۱۸۲ عضو دارد و تقریباً تمامی امور مربوط به تسهیل و روان‌سازی کل تجارت جهانی را مدیریت می‌کند. در چنین شرایطی، تلاش برای استفاده از ظرفیت‌های موافقتنامه‌ها و همکاری‌های اقتصادی - تجاری، عضویت و افزایش همکاری‌ها با بلوک‌های اقتصادی - از جمله سازمان جهانی تجارت و اوراسیا - گسترش موافقتنامه‌های تجاری، ایجاد کمیسیون‌های مشترک همکاری با کشورها و بلوک‌های مختلف از جمله این اقدام‌های ایران و آذربایجان است.

از طرف دیگر، نظر به اینکه سال‌های آخر دهه ۹۰ م با تغییرات و شرایط گذر عمیق اقتصاد ملی کشورهای منطقه، همچنین اصلاحات الگوی مالکیت آن‌ها، از جمله جمهوری آذربایجان، متمایز می‌شود، افزایش و تحکیم همکاری‌های اقتصادی و تجاری کشورهای منطقه در قالب موافقتنامه‌های تجاری دوجانبه، چندجانبه و همکاری‌های منطقه‌ای به سهولت محقق می‌شود و برای کشورهایی با شرایط اقتصادی ایران و آذربایجان، در راستای گشودن اقتصادهای ملی و ورود تدریجی به بازارهای جهانی مؤثر خواهد بود. ایران و آذربایجان از نظر فنی و سطح پیشرفت اقتصادی برای ورود به بازارهای بین‌المللی آمادگی دارند. بررسی روند تجارت بین این دو کشور نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود امکانات و ظرفیت‌ها، اشتراک‌ها و عوامل پیونددهنده مثبت، حجم مبادلات تجاری بین دو کشور در مقایسه با ظرفیت‌های موجود، در سطحی کم انجام شده است.

در این مطالعه، ضمن برآورد ظرفیت تجارت موجود بین دو کشور با استفاده از الگوی جاذبه^۳، راهکارهای لازم برای افزایش حجم مبادلات تجاری و استفاده از

1. World Customs Organization
2. Customs Co-operation Council
3. gravity theory

ظرفیت‌های موجود مطرح شده است. سازماندهی مقاله به این شرح است: پس از مقدمه، هدف و موضوع تحقیق بیان شده است. پس از آن، وضعیت اقتصادی و روابط تجاری دو کشور بررسی می‌شود. سپس، در بخش طراحی مدل، معرفی مدل، برآورد و تحلیل تجربی آن، و در نهایت نتیجه‌گیری و طرح راهکارهای لازم آمده است.

پس از استقلال آذربایجان، روابط دوجانبه آن با ایران گسترش یافت. در سال‌های اخیر نیز با نوسان‌هایی، گرایش به تقویت و گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری بین دو کشور بیشتر شده است. با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی ایران و اعمال تحریم‌های اقتصادی، گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری دوجانبه و چندجانبه در قالب همکاری‌های منطقه‌ای برای ایران، به‌خصوص با کشورهای همجوار، اهمیت حیاتی دارد. تحلیل جداگانه اقتصاد ایران و آذربایجان همچنین، بررسی ظرفیت‌ها و امکانات بالقوه اقتصادی-تجاری موجود، تبیین چشم‌انداز توسعه روابط اقتصادی و تجاری را فراهم می‌سازد.

از این منظر، بررسی و تحلیل سطح موجود روابط اقتصادی-تجاری و عوامل مؤثر در گسترش روابط بین دو کشور اهمیت ویژه‌ای دارد. همانندی‌های جغرافیایی، اقلیمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی، دینی، زبانی، الگوی مصرف و دیگر همانندی‌های موجود بین دو ملت، امکان ایجاد همکاری و روابط دوجانبه اقتصادی و تجاری موفق و دارای تأثیر مثبت را بر اقتصاد هر دو کشور فراهم می‌سازد. نظر به وجود این اشتراک‌ها و از آنجاکه آذربایجان عضو کشورهای جماهیر هم‌سود (CIS) است، برای ایران همچون دروازه ورود به بازارهای دیگر کشورهای عضو این تشکیلات و کشورهای حوزه دریای خزر نیز ایفای نقش خواهد کرد.

با توجه به موارد گفته‌شده، هدف اصلی پژوهش، بررسی روابط اقتصادی-تجاری ایران و آذربایجان و تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی دو کشور در شرایط همگرایی اقتصادی و راه‌های گسترش این روابط است. همچنین، سطح روابط اقتصادی-تجاری، چشم‌انداز توسعه این روابط و برآورد ظرفیت تجاری دوجانبه با استفاده از الگوی جاذبه ارزیابی شده است.

۲. پیشینه

با توجه به همجواری و اشتراک‌های تاریخی-فرهنگی آذربایجان و ایران، امکان گسترش روابط اقتصادی و تجاری همواره مورد توجه دولتمردان هر دو کشور بوده است. از سوی دیگر، همسایگی و ارتباط نزدیک جمهوری آذربایجان با کشورهای اروپای شرقی و کشورهای اوراسیا اهمیت ویژه‌ای دارد، چراکه برقراری روابط مناسب اقتصادی و سیاسی با آذربایجان دروازه ورود به بازار این کشورها محسوب می‌شود. لذا، برای گسترش روابط اقتصادی و تجاری، تحقیقات مختلفی انجام گرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

مهکویی (۱۳۹۸) تأثیر اتحادیه اوراسیا را بر موقعیت زیست‌اقتصادی ایران بررسی کرد و نتیجه می‌گیرد که نظر به همجواری با کشورهای عضو، با عضویت ایران در این اتحادیه، موقعیت زیست‌اقتصادی کشور بیشتر متأثر خواهد شد. کیانی و بیرانوند (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیدند که اشتراک‌های تاریخی، فرهنگی، همجواری، عوامل ژئوپلیتیکی و برخورداری از دین و مذهب مشترک عوامل همگرایی و مناقشه دریای خزر، بحران قره‌باغ، حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در آذربایجان، روابط نزدیک ایران با ارمنستان، تقویت پان‌ترکیسم و ادعای آذربایجان بزرگ عوامل واگرایی روابط بین دو کشور محسوب می‌شود.

طبق بررسی کریم‌زادی و خوانساری‌فرد (۱۳۹۶)، علی‌رغم وجود زمینه‌های همگرایی میان دو طرف، به‌دلایل مختلف، چالش‌هایی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بروز یافت و به‌طور کلی، طرح منافع ملی و تدوین سیاست خارجی غیرهمسو در دو کشور روند روابط نزدیک و مستمر میان دو کشور را متوقف کرد و در مقابل، نمودهای واگرایی در روابط دو طرف شکل گرفت. کولایی (۱۳۹۶) نتیجه گرفت که دیپلماسی ایران به‌گونه‌ای فعال در این منطقه شکل نگرفته و ایران، در مقایسه با رقبای نتوانسته است از ظرفیت‌های موجود بهره ببرد.

مجتهدزاده، پویان و کریمی‌پور (۱۳۸۷) دریافتند که عدم‌اتخاذ سیاست مناسب و تا حدودی نداشتن راهبردی مدون و هدف‌مند از طرف ایران باعث شده است که با وجود واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و جغرافیایی مثبت و پیونددهنده- نظیر همسایگی، اشتراک مذهبی، تجانس جمعیتی، منابع مشترک، وابستگی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی- و همانندی‌های فرهنگی و تاریخی، آن‌طور که باید روابط نزدیکی بین طرفین ایجاد نشود.

فیروزآبادی و مرادی (۱۳۸۶) در بررسی مناسبت‌های اقتصادی و سیاسی ایران در منطقه قفقاز، به این نتیجه رسیدند که ایران با راهبردی که از چهار ضلع محوری تشکیل شده است (همکاری و همگرایی کارکردی-اقتصادی، میانجیگری و مدیریت بحران، موازنه‌سازی و امنیت همکاری جویانه)، در منطقه قفقاز منافع و هدف خود را پیگیری می‌کند.

ذکی و ولیقلی‌زاده (۱۳۹۳) نتیجه گرفتند که در روابط اقتصادی ایران و آذربایجان، تعلقات ژئوپلیتیکی گوناگونی- از جمله همانندی‌های تاریخی، فرهنگی، و وابستگی فضایی و جغرافیایی بین طرفین- شاکله اصلی بسترهای هم‌تکمیلی است.

در تمامی مطالعات انجام‌شده، به وجود ظرفیت و امکانات بالقوه زیادی در گسترش روابط اقتصادی و تجاری بین ایران و آذربایجان تأکید شده است؛ با این حال، روند جاری در روابط تجاری-اقتصادی دو کشور، در قیاس با روابط جمهوری آذربایجان با رقبای ایرانی در منطقه، رضایت‌بخش نبوده است. با بهره‌گیری از مدل جاذبه و گسترش دامنه آن در بررسی روابط تجارت خارجی، به‌خصوص طی چهار دهه گذشته، تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است.

امینی و رفیعی (۱۳۹۹) با استفاده از مدل جاذبه دریافتند که عضویت ایران در موافقتنامه‌های تجاری اثری مثبت و معنادار بر صادرات پسته داشته است. آقای، رضاقلی‌زاده و محمدرضایی (۱۳۹۷) با بهره‌گیری از روش الگوی جاذبه تعمیم‌یافته، اثر تحریم‌ها را بر روابط تجاری ایران بررسی کردند و نتیجه گرفتند که تحریم‌های ضعیف اثر کمتر و تحریم‌های شدید اثر منفی قابل‌ملاحظه‌ای بر روابط تجاری کشور داشته است.

شقاقی شهری (۱۳۹۶)، با استفاده از مدل جاذبه برای کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، تأثیر یکپارچگی را بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مثبت ارزیابی کرد.

سعادت و محسنی (۱۳۹۳) همگرایی اقتصادی میان ایران و کشورهای حوزه دریای خزر را بررسی کردند، شامل آذربایجان، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان. با استفاده از مدل جاذبه و روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته^۱ (GLS) نتیجه گرفتند که همکاری اقتصادی ایران و کشورهای حوزه دریای خزر به افزایش قابل‌ملاحظه جریان‌های تجاری دوجانبه منجر می‌شود.

1. Generalized Least Squares

رسولی نژاد و جبل‌عاملی مدل پیشنهادی جدیدی به‌نام نیروی تجارت بین‌کشورها (ITF) را با الهام از مدل جاذبه بین‌مولکولی مطرح کردند. مدل پیشنهادی را با استفاده از روش اقتصادسنجی در تجزیه و تحلیل صادرات گاز روسیه به کشورهای عضو اتحادیه اروپا به کار بردند و نتیجه گرفتند مدل پیشنهادی با الگوی تجربی تجارت انرژی تنظیم می‌شود (Rasoulinezhad & Jabalameli, 2019).

نصیرزاده و حسینی (۱۳۹۱) ظرفیت صادراتی ایران را به جمهوری آذربایجان برآورد کردند و نتیجه گرفتند که امکانات مبادلاتی و فرصت‌های تجاری دست‌نخورده‌ای در اقتصاد و تجارت این دو کشور وجود دارد که در تعامل دوجانبه ثمربخش و همکاری اقتصادی متقابل امکان شکوفایی و توسعه آن میسر است.

طیبی و آذربایجانی (۱۳۸۰) با استفاده از مدل جاذبه، ضمن بررسی حجم همکاری‌های اقتصادی و تجاری ایران و اوکراین، امکان برآورد پتانسیل تجاری را با به کارگیری عوامل تأثیرگذار- از قبیل ویژگی‌های ساختاری، فاصله جغرافیایی، موافقت‌نامه‌های تجاری و اقتصادی- در قالب مدل اقتصادسنجی فراهم آوردند و دریافتند که وجود همکاری‌های اقتصادی بین ایران و اوکراین ظرفیت تجاری را افزایش خواهد داد؛ همچنین، افزایش قابل‌ملاحظه‌ای نیز در جریان‌های تجاری دوجانبه ایجاد می‌کند، منوط به اینکه همکاری‌ها در چارچوب یکپارچگی منطقه‌ای در حوزه دریای خزر و جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز باشد. هراتی، بهرادمین و کهرازه (۱۳۹۴)، با بهره‌گیری از مدل جاذبه مبتنی بر رویکرد داده‌های تابلویی، به بررسی عوامل مؤثر بر صادرات ایران به شرکای تجاری آن طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ م پرداختند. نتایج برآورد الگو به روش الگوی حداقل مربعات پویا بیانگر آن است که صادرات ایران تا حدود زیادی با توجه به الگوی جاذبه توجیه‌پذیر است.

۳. وضعیت اقتصادی و روابط اقتصادی-تجاری ایران و آذربایجان

۳.۱. خلاصه‌ای از شرایط اقتصادی ایران در دوران معاصر

ایران از کشورهای بزرگ در قاره آسیا و از ثروتمندترین کشورهای دنیا از نظر ذخایر زیرزمینی به خصوص منابع نفت و گاز است. براساس آمار همایش توسعه و

تجارت ملل متحد UNCTAD، تولید ناخالص داخلی^۱ (GDP) ایران در سال ۲۰۱۸م، ۴۹۷۹۴۹/۱ میلیون دلار، رشد آن ۰/۲۵۹- درصد و متوسط درصد رشد تولید ناخالص داخلی طی ۲۰۱۸ تا ۲۰۰۰م حدود ۳/۳۹ درصد بوده است. در همان زمان تولید ناخالص سرانه ۶۰۸۷ دلار (به قیمت جاری)، درصد رشد آن در سال ۲۰۱۸م، ۱/۶۳- و در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸م، ۲/۱۳ درصد بوده است.

- صادرات غیرنفتی ایران در ۲۰۱۸م، بر اساس آمار گمرک ایران ۴۴۶۷۰/۴ میلیون دلار و تغییرات آن ۴/۹۲- درصد بوده است.
- کل واردات ایران در سال ۲۰۱۸م ۴۳۱۶۸/۷ میلیون دلار، درصد رشد آن ۰/۳- درصد، و درصد رشد آن طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸م حدود ۸/۳۲ درصد و در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸م حدود ۰/۸۴ درصد در سال بوده است. این روند بیانگر کاهش درصد رشد واردات، به‌خصوص پس از سال ۲۰۱۰م و حاکی از تأثیر منفی اعمال تحریم‌ها بر حجم تجارت خارجی کشور است.

۲.۳. وضعیت اقتصادی-تجاری جمهوری آذربایجان در دوران معاصر

امروزه، هر کشوری در سیاست‌های جهانی تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی قرار دارد. قدرت هر کشور در عرصه جهانی به‌شدت از محیط جغرافیایی آن تأثیر می‌پذیرد. جمهوری آذربایجان از موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه‌ای برخوردار است و در جایگاه چهارراه گذرگاهی، نقشی ویژه را می‌تواند ایفا کند. آذربایجان در شرق قفقاز جنوبی در ساحل غربی دریای خزر با شش کشور ایران، ترکیه، ارمنستان، گرجستان، داغستان و روسیه مرز مشترک دارد. داشتن مرزهای متعدد با کشورهای اروپای شرقی و آسیای میانه و خط ساحلی به طول ۸۰۰ کیلومتر در ساحل دریای خزر، امکان گسترش امکانات ترانزیت را از طریق ایران افزایش می‌دهد. آذربایجان همچنین، به‌دلیل دارا بودن ذخایر وسیع نفت و گاز، موقعیت ممتازی در منطقه دارد: عبور خط لوله نفت و طرح انتقال گاز از این کشور امکان گسترش ارتباطات بین‌المللی و در نتیجه امکان توسعه تجارت خارجی این کشور را بیشتر از پیش فراهم آورده است. باین‌حال، آذربایجان، علی‌رغم داشتن خط ساحلی وسیع در دریای خزر، از دسترسی به دریای آزاد محروم است. بهترین مسیر برای دسترسی به آب‌های آزاد برای این کشور و کشورهای همجوار، مسیر

ایران است. موقعیت راهبردی و جغرافیایی ایران و آذربایجان، امتیاز ترانزیتی انرژی و سوآپ نفتی^۱ برای هر دو کشور به ارمغان می‌آورد. از آنجا که اقتصاد جمهوری آذربایجان طی سال‌های متمادی زیرسلطه نظام اقتصاد سوسیالیستی شوروی سابق و مجرد از اقتصاد بین‌الملل شکل گرفته بود، نتوانست از این امتیازات استفاده کند. پس از فروپاشی شوروی، نظام سیاسی-اقتصادی آذربایجان تضعیف و مراکز صنعتی و کارخانجات آن ویران شد. بازسازی اقتصاد بر اساس شرایط بازار و انجام سرمایه‌گذاری و انعقاد قراردادهای بین‌المللی در خصوص استخراج و ترانزیت نفت و گاز در توسعه اقتصادی آذربایجان نقش مؤثر و مفیدی ایفا کرد.

در چنین شرایطی، برای شکل‌گیری بهتر اقتصاد داخلی و نظام‌یافتن اقتصاد خارجی آن با شرایط اقتصاد بازار، همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه برای ورود مؤثر به بازارهای بین‌المللی ضرورت داشت. در همین راستا، آذربایجان در سال‌های اولیه استقلال، برای عضویت در همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اقدام کرد. در سال ۱۹۹۲ م، به سازمان همکاری اقتصادی^۲ (ECO) پیوست. در ۱۹۹۳ م، عضو CIS و در ۱۹۹۷ م، به عضویت موافقتنامه منطقه‌ای^۳ GVAM (شامل گرجستان، اوکراین، آذربایجان و مولداوی) درآمد. آذربایجان عضو سازمان همکاری کشورهای اسلامی (سازمان کنفرانس اسلامی) است و در تلاش است به عضویت اتحادیه اروپا و WTO نیز درآید. برخی شاخص‌های اقتصادی آذربایجان برای سال ۲۰۱۸ م و متوسط این شاخص‌ها طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ م به شرح زیر است:

- جمهوری آذربایجان با مساحت ۸۶۶۰۰ کیلومترمربع نزدیک به ۹ میلیون نفر جمعیت را در خود جای داده است. درصد رشد جمعیت ۱/۰۵۳ و متوسط آن بین این سال‌ها حدود ۱/۱ درصد بوده است.
- تولید ناخالص داخلی آذربایجان ۴۵۴۳۸/۹ میلیون دلار، درصد رشد آن طی دوره ۹/۰۱۶ درصد، تولید ناخالص سرانه ۵۷۸۷ دلار، درصد رشد آن ۰/۳۴ و رشد متوسط آن ۹/۰۲ بوده است.
- صادرات آذربایجان ۱۹۴۵۸/۷ میلیون دلار، درصد رشد آن ۲۷/۴۳ درصد و متوسط آن حدود ۲۳/۷ درصد بوده است.

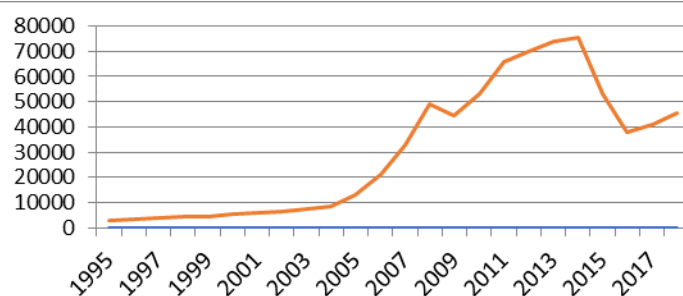
۱. SWAP: دریافت مواد نفتی در یک مرز و تحول آن در مرزی دیگر

۲. Economic Cooperation Organization

۳. Georgia- Ukraine- Azerbaijan- Moldova

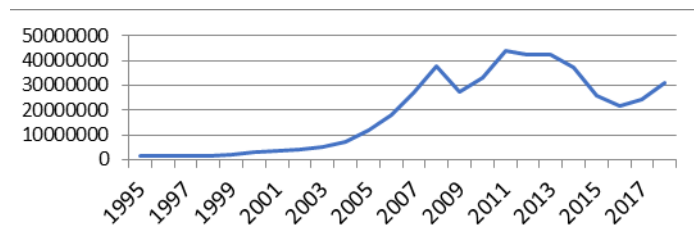
- واردات آذربایجان ۱۱۴۵۹/۵ میلیون دلار، درصد رشد واردات ۳۰/۵ و درصد متوسط آن ۱۵ درصد بوده است.
- مجموع تجارت خارجی آذربایجان در سال ۲۰۰۰م، ۲۹۱۷ میلیون دلار بود. در ۲۰۰۵م، به ۸۵۵۸ میلیون دلار و در ۲۰۱۸م به ارزش ۳۰۹۲۳۶ میلیون دلار افزایش یافته است.
- در سال ۱۹۹۲م، ۵۵ درصد کل تجارت خارجی آذربایجان را تجارت با کشورهای عضو CIS تشکیل می‌داد. این میزان در سال ۲۰۱۸م به ۱۲/۹ درصد کاهش یافت که بیانگر کاهش پیوسته سهم تجارت این کشور با اعضای CIS و افزایش تجارت با سایر کشورهاست.

در شکل ۱، تولید ناخالص داخلی آذربایجان در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۸م نمایش داده شده است. در سال‌های اولیه استقلال، به دلیل شرایط متزلزل سیاسی و از هم پاشیده شدن نظام‌های اقتصادی، تولید ناخالص داخلی در سطح نازل قرار داشت. در ۱۹۹۵م، تولید ناخالص داخلی آذربایجان ۳۰۹۱ میلیون دلار، تولید ناخالص سرانه ۳۹۶/۲۴ دلار و حجم اقتصاد کشور نسبت به امکانات و جمعیت آن ناچیز بوده است. با به کار بستن اصلاحات سیاسی اقتصادی و سوق دادن مسیر اقتصاد به سمت اقتصاد بازار، رشد اقتصادی رو به بهبودی نهاد و تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور به ۱۳۲۴۵/۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۵م افزایش و سرانه آن به ۱۵۵۱/۳ دلار رسید. در مدت ۱۰ سال تا سه برابر افزایش یافته است. پس از سال ۲۰۰۵م، با سرمایه‌گذاری برای استخراج نفت و ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور، حجم اقتصاد رشد جهشی یافت و تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۴م به اوج خود و به سطح ۷۵۲۳۹/۷۵ میلیون دلار افزایش یافت و تولید ناخالص داخلی سرانه به ۷۹۱۵/۳ دلار رسید.



شکل ۱. تولید ناخالص داخلی آذربایجان به قیمت جاری (به میلیون دلار)

در شکل ۲، حجم تجارت خارجی آذربایجان نمایش داده شده است. مقایسه شکل ۲ با شکل ۱ به وضوح نشان می‌دهد رابطه مستقیمی بین تجارت خارجی و تولید ناخالص داخلی آذربایجان وجود دارد؛ بدین مفهوم که حجم تجارت خارجی آذربایجان روند مشابهی با تولید ناخالص این کشور داشته است. در طول یک دهه، از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵م، حجم تجارت خارجی آذربایجان متناسب با رشد تولید ناخالص داخلی به آرامی رشد کرد؛ اما، پس از ۲۰۰۴م، با افزایش تولید ناخالص داخلی عمدتاً به تبع افزایش درآمد حاصل از افزایش استخراج مواد نفتی، تجارت خارجی نیز به تناسب جهش در رشد تولید ناخالص داخلی، رشد جهشی خود را شروع کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سهم عمده افزایش در تجارت خارجی از افزایش جهشی در حجم صادرات ناشی می‌شود که عمدتاً ناشی از افزایش تولید و صادرات مواد نفتی بوده است. در سال ۲۰۰۴م، حجم صادرات آذربایجان، ۳۶۱۵/۵ میلیون دلار بود. در سال ۲۰۱۱م، این رقم به ۳۴۴۹۵ افزایش یافت که در مدت ۷ سال، حدود ۱۰ برابر افزایش نشان می‌دهد؛ در حالی که در همان دوره حجم واردات آذربایجان از ۳۵۱۵/۹ در سال ۲۰۰۴م به میزان ۶۵۹۵ میلیون دلار افزایش یافته است که کمتر از دو برابر میزان واردات در سال ۲۰۰۴م است.



شکل ۲. حجم تجارت خارجی جمهوری آذربایجان (به ۱۰۰۰ دلار)

در جدول ۱، برخی شاخص‌های مهم اقتصادی - تجاری ایران و جمهوری آذربایجان و متوسط کل دنیا در سال ۲۰۱۸م و درصد متوسط آن طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸م ارائه شده است:

- درصد رشد GDP در جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۸م، ۰/۲۵۹-، در آذربایجان ۱/۴ و متوسط آن در کل دنیا ۲/۹۶ بوده است. میانگین رشد آن برای در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸م در ایران ۳/۳۹، در آذربایجان ۹/۰۲ و در کل دنیا ۲/۸۹ درصد بوده است.

۳۶۴ ظرفیت تجاری و چشم‌انداز توسعه در روابط تجاری ایران و آذربایجان با استفاده از مدل جاذبه

جدول ۱. مقایسه برخی شاخص‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

شاخص / اقتصاد	آذربایجان	ایران	کل دنیا
کل جمعیت در ۲۰۱۸م	۹۹۴۹۵۳۹	۸۱۸۰۰۲۰۴	۷۶۳۱۰۹۱۰۰۰
درصد رشد جمعیت در ۲۰۱۸م	۱/۰۵۳	۱/۳۸	۱/۱
درصد رشد جمعیت بین ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸م	۱/۱۱۲	۱/۲۲۶	۱/۲
GDP در سال ۲۰۱۸م (میلیون دلار)	۴۵۴۳۹	۴۷۹۹۴۹	۸۳۵۰۳۷۹۴
درصد رشد GDP در ۲۰۱۸م	۱/۴	-۰/۲۵۹	۲/۹۶
درصد رشد GDP در ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸م	۹/۰۲	۳/۳۹	۲/۸۹
GDP سرانه (دلار)	۴۵۶۶	۶۰۸۷	۱۱۱۸۱
درصد رشد GDP سرانه در ۲۰۱۸م	۰/۳۳۸	-۱/۶۳	۱/۸۴
درصد رشد GDP سرانه در ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸م	۷/۸۲	۲/۱۳	۱/۶۶
صادرات در ۲۰۱۸م (میلیون دلار)	۱۹۴۵۹	۴۴۶۷۰/۴	۱۹۴۱۴۰۰۸
درصد رشد صادرات در ۲۰۱۸م	۲۷/۴۳	-۴/۲	۹/۷۱
درصد رشد صادرات در ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸م	۲۳/۷	۱۱/۱	۷/۳۴
واردات در ۲۰۱۸م (میلیون دلار)	۱۱۴۵۹/۴	۵۱۶۶۰	۱۹۶۷۰۰۷۲
درصد رشد واردات در ۲۰۱۸م	۳۰/۵	-۲۰/۷	۱۰/۰۹
درصد رشد واردات در ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸م	۱۵/۰۳	۸/۳۳	۷/۳۱
حجم تجارت خارجی در ۲۰۱۸م (میلیون دلار)	۳۰۹۲۴	۹۶۳۳۰/۵	۳۹۰۸۴۰۸۰
درصد رشد حجم تجارت خارجی در ۲۰۱۸م	۲۸/۳	۶/۴۵	۱۰/۳۳
درصد رشد تجارت خارجی در ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸م	۱۹/۳۷	۹/۷	۷/۳۲

منابع: آمارهای آنکتاد، سالنامه‌های آماری گمرک ایران، نشریه‌های کمیته آمار جمهوری آذربایجان

- تولید ناخالص سرانه در ایران ۶۰۸۷ دلار، در آذربایجان ۴۵۶۶ دلار و متوسط کل دنیا ۱۱۱۸۱ دلار بوده است.
- درصد رشد GDP در ایران ۱/۶۳-، در آذربایجان ۰/۳۳۸ و متوسط کل دنیا ۱/۸۴ بوده است. این درصد در ایران در سال ۲۰۱۸م منفی و در آذربایجان ناچیز بوده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در هر دو کشور این درصد کمتر از متوسط کل دنیا بوده است، اما درصد متوسط آن طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸م در ایران ۲/۱۳، در آذربایجان ۷/۸۲ و متوسط آن در کل دنیا ۱/۶۶ درصد بوده است. متوسط درصد رشد سرانه در هر دو کشور در این بازه زمانی بیشتر از سطح متوسط دنیا و در آذربایجان بیش از سه برابر ایران بوده است.
- در سال ۲۰۱۸م، رشد صادرات در ایران حدود ۴/۲ درصد، در آذربایجان

۲۷/۴۳ درصد و متوسط آن در کل دنیا ۹/۷۱ درصد بوده است. متوسط آن طی این دوره در ایران ۱۱ درصد، در آذربایجان ۲۳/۷ درصد و در کل دنیا ۹/۷۱ درصد بوده است.

- در سال ۲۰۱۸م، رشد واردات در ایران ۲۰/۷- در آذربایجان ۳۰/۵ و متوسط آن در کل دنیا ۱۰/۰۹ درصد بوده است. متوسط این رشد در سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸م، در ایران ۸/۳۳، در آذربایجان ۱۵/۰۳ و متوسط آن در کل دنیا ۷/۳۱ درصد بوده است.
- در سال ۲۰۱۸م، رشد کل تجارت خارجی در ایران ۶/۴۵، در آذربایجان ۲۸/۳ و متوسط آن در کل دنیا ۱۰/۳۳ درصد بوده است.

بررسی این شاخص‌ها نشان می‌دهد که آذربایجان در تمامی شاخص‌های تجاری عملکرد بهتری از ایران داشته است. ایران در برخی شاخص‌های مهم، از جمله درصد سرانه رشد تولید ناخالص داخلی، رشد واردات و رشد حجم تجارت خارجی عملکرد مناسبی نداشته و سطح آن پایین‌تر از سطح متوسط دنیا و نیز در برخی موارد، رشد منفی داشته است.

۳.۳. روابط تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

ایران و آذربایجان زمینه‌های مشترک فراوانی برای گسترش همکاری‌های اقتصادی-تجاری دارند. ظرفیت‌ها و امکانات فراوان، راه‌های زمینی، دریایی، هوایی و راه‌آهن، مرزهای گسترده، وجود حداقل پنج گمرک بزرگ و فعال در مرزهای خاکی دو کشور- از جمله گمرک جلفا، آستارا، بیله‌سوار، پلدشت، خدآفرین- امکان دسترسی از طریق دریای خزر با گمرک‌ها و بندرهای شمال کشور، مناطق آزاد اقتصادی و تجاری ارس در مرز بین دو کشور در جلفا و نیز بازارچه‌های مشترک مرزی و نزدیکی مراکز تولید و مصرف از عوامل مهمی است که امکانات و فرصت‌های بی‌نظیری را در گسترش روابط اقتصادی و تجاری فراهم می‌آورد. با توجه به موارد فوق، آذربایجان از روزهای نخست کسب استقلال در سال ۱۹۹۱م، روابط اقتصادی و تجاری مناسبی با ایران برقرار کرد. هر دو کشور به سرعت به شرکای عمده تجاری همدیگر مبدل شدند.

همان‌طور که در جدول ۲ و شکل ۳ نشان داده شده است، از سال ۱۹۹۱م، حجم تجارت بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان مدام افزایش یافته است. پس از سال ۱۹۹۴م، این افزایش شدت بیشتری نیز به خود گرفت و تا

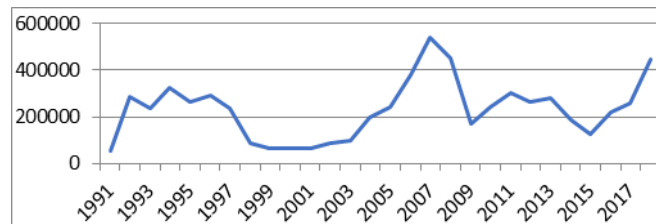
۳۶۶ ظرفیت تجاری و چشم‌انداز توسعه در روابط تجاری ایران و آذربایجان با استفاده از مدل جاذبه

سال ۱۹۹۷م ادامه یافت. در فاصله بین ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷م سهم عمده‌ای از کل مبادلات جمهوری آذربایجان را تجارت با ایران تشکیل می‌داد. در همان دوره، ایران رتبه نخست را در واردات بین شرکای عمده تجاری آذربایجان به خود اختصاص داد، به طوری که در سال ۱۹۹۶م، حدود ۲۹ درصد از کل تجارت جمهوری آذربایجان را تجارت با ایران تشکیل می‌داد.

جدول ۲. حجم تجارت خارجی جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران (به ۱۰۰۰ دلار)

سال	سهم صادرات	سهم واردات	تراز تجاری	درصد	حجم تجارت
۱۹۹۱	۱/۴	۲۶۳۳۷/۷	۳۳۵۶	۱/۴	۵۶۰۳۱/۲
۱۹۹۲	۱۵/۴	۵۶۳۹۱/۷	۱۷۲۶۷۴	۱۱/۷۵	۲۸۵۴۵۷/۷
۱۹۹۳	۲/۶	۴۲۰۱۷	۱۵۰۷۳۰	۱۷/۳	۲۳۴۷۶۴
۱۹۹۴	۳۹/۴	۶۶۹۰۰/۳	۱۹۰۲۲۷	۲۲/۶۵	۳۲۴۰۷۷/۶
۱۹۹۵	۲۹/۲	۸۰۳۳۲/۱	۱۰۵۷۵۵/۹	۲۰/۴۲	۲۶۶۴۲۰/۱
۱۹۹۶	۳۵/۸	۶۶۲۸۳/۹	۱۵۹۷۰۲/۱	۲۸/۳۶	۲۹۲۴۰۱/۱
۱۹۹۷	۲۴/۳	۴۸۸۰۱/۷	۱۴۰۹۳۹/۴	۱۵/۱۲	۲۳۸۵۴۲/۸
۱۹۹۸	۷/۳۴	۴۲۵۷۰/۶	۱۸۹۸	۵/۱۷	۸۷۰۳۹/۳
۱۹۹۹	۲/۴۴	۴۷۴۳۹/۶	-۲۴۶۷۲	۳/۳	۷۰۱۰۷/۲
۲۰۰۰	۰/۴۴	۵۶۸۳۰/۲	-۴۹۱۶۷/۶	۲/۲	۶۴۴۹۲/۴
۲۰۰۱	۰/۴	۵۵۴۲۴/۷	-۴۶۵۵۶/۴	۱/۷	۶۴۵۶۹/۶
۲۰۰۲	۱/۳۸	۵۷۹۳۲/۸	-۲۸۰۴۸/۳	۲/۳	۸۷۸۱۷/۳
۲۰۰۳	۱/۹	۵۰۶۰۸/۳	-۱۴۷۸/۹	۱/۹	۹۹۷۳۷/۷
۲۰۰۴	۴/۲	۴۵۳۲۰/۷	۱۰۶۱۴۲/۷	۲/۷۷	۱۹۸۸۶۵/۳
۲۰۰۵	۳/۸	۷۶۳۱۸/۴	۸۹۳۹۰	۲/۸	۲۴۲۷۸۶/۵
۲۰۰۶	۴/۶	۸۵۱۹۷/۴	۲۰۹۹۸۴/۲	۳/۳	۳۸۱۰۹۹
۲۰۰۷	۷/۲	۱۰۵۲۳۵/۷	۳۲۹۴۹۵/۴	۴/۶	۵۳۹۹۶۶/۸
۲۰۰۸	۰/۷	۹۷۲۲۷/۲	۲۵۸۴۲۰/۴	۰/۸	۴۵۲۸۷۴/۸
۲۰۰۹	۰/۶	۷۸۶۶۸/۵	۱۱۴۰۳/۵	۰/۸	۱۶۸۷۹۸/۶
۲۰۱۰	۰/۶	۱۱۸۲۳۸/۶	۶۷۴۲/۱	۰/۹	۲۴۳۲۱۹/۳
۲۰۱۱	۰/۵	۱۶۰۴۸۶	-۱۵۶۵۸	۰/۸	۳۰۵۳۱۴/۸
۲۰۱۲	۰/۳۶	۱۷۶۴۴۴	-۸۹۱۰۲	۰/۷۸	۲۶۳۷۸۶/۳
۲۰۱۳	۰/۳	۲۰۷۶۸۲/۳	۱۳۴۳۳۴/۹-	۰/۸۷	۲۸۱۰۲۹/۷
۲۰۱۴	۰/۱۹	۱۴۷۱۵۶/۲	-۱۰۷۷۱۴/۵	۰/۸۸	۱۸۶۵۹۸
۲۰۱۵	۰/۲۷	۹۰۴۵۵/۴	-۵۶۱۹۸/۴	۰/۵۶	۱۲۴۷۱۲/۴
۲۰۱۶	۰/۳۷	۱۷۱۵۲۵/۳	-۱۲۱۸۴۰/۷	۱	۲۲۱۲۱۰
۲۰۱۷	۰/۴	۲۴۰۲۷۴.۷/۷	-۲۲۳۴۸۰/۶	۱/۰۶	۲۵۷۰۶۹
۲۰۱۸	۰/۱۶	۴۱۴۸۰۱	-۳۸۳۵۶۹/۳	۱/۴۴	۴۴۶۰۳۳

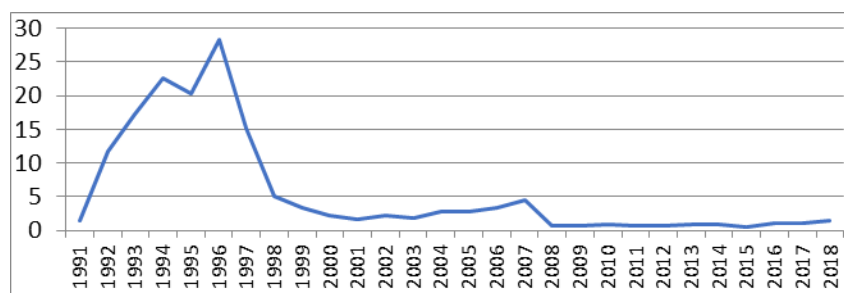
منبع: مجله آماری جمهوری آذربایجان، سال‌های مختلف www.azistat.org



شکل ۳. حجم تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان (به ۱۰۰۰ دلار)

پس از سال ۱۹۹۷م، مبادلات بین دو کشور به تدریج کاهش یافت. طی دوره ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳م، به حداقل خود رسید. از سال ۲۰۰۳م مجدداً روند صعودی به خود گرفت و در ۲۰۰۷م به اوج خود رسید. سپس، مجدداً نزولی شد و با نوسان‌هایی پس از سال ۲۰۱۴م، شروع به افزایش کرد. یافته‌های ذکر شده، به ویژه رشد و گسترش شدید روابط تجاری آذربایجان با ایران در سال‌های اولیه استقلال، وجود علایق و سلیقه‌های مصرف مشترک و عوامل پیونددهنده - از جمله همانندی‌های فرهنگی، زبانی و نزدیکی - و وجود امکانات گسترده گمرکی و مرزهای زمینی و دریایی و سهولت تجارت با ایران را نشان می‌دهد.

در شکل ۴، سهم مبادلات تجاری بین دو کشور جمهوری اسلامی ایران و آذربایجان از کل تجارت خارجی جمهوری آذربایجان ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، علی‌رغم اینکه در فاصله بین ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷م حجم کل تجارت خارجی دو کشور با نوسان‌هایی روند افزایشی داشته است، از حیث نسبت (سهم) پس از سال ۱۹۹۶م، به شدت تنزل یافت و از ۲۸/۳۶ درصد در سال ۱۹۹۶م، به ۰/۵۶ در سال ۲۰۱۵م کاهش یافت. پس از ۲۰۱۶م، روابط تجاری اندکی رو به بهبودی نهاد و سهم مذکور به میزان ۱/۴۴ در سال ۲۰۱۸م رسید.



شکل ۴. سهم ایران از کل تجارت خارجی آذربایجان

آمار تفکیکی نیز حاکی از آن است که واردات ایران از آذربایجان هم از

حیث حجم و هم از حیث سهم و درصد در فاصله سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶م افزایش یافت. در سال ۱۹۹۶م به اوج خود رسید. اما، پس از سال ۱۹۹۷م، هرچند واردات ایران از آذربایجان افزایش یافت، از نظر سهم و درصد، تنزل پیدا کرد. صادرات ایران نیز به آذربایجان پس از استقلال این کشور، هم از نظر سهم و هم از نظر حجم، افزایش داشت. این روند تا سال ۱۹۹۷م ادامه داشته است. پس از سال ۱۹۹۷م، سهم ایران از بازارهای آذربایجان به تدریج روندی کاهشی به خود گرفت. پس از ۲۰۰۳م تا سال ۲۰۰۹م، روند کاهشی شدیدتر نیز شده است. پس از ۲۰۰۹م، سهم ایران از بازارهای آذربایجان به آرامی سیر صعودی به خود گرفت. این روند تا سال ۲۰۱۸م ادامه یافت. همچنین، حجم صادرات ایران به بازارهای جمهوری آذربایجان هرچند با نوسان‌هایی افزایش داشت، از حیث سهم، از رتبه سوم در سال ۱۹۹۶م، به رتبه ۱۵، در سال ۲۰۱۰م تنزل کرد.

بررسی روابط تجاری جمهوری آذربایجان نشان می‌دهد که ایران به‌مرور زمان، سهم خود را از بازارهای آذربایجان به رقبای منطقه‌ای خود، از جمله ترکیه، واگذار کرد. برای نمونه، متوسط سهم ایران از کل واردات آذربایجان از ۲/۱ درصد بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰م، به ۱/۸ درصد در ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸م کاهش یافت؛ در حالی که سهم ترکیه در این بازه زمانی از ۹/۵ درصد، به ۱۴ درصد افزایش یافته است. این آمار بیانگر کاهش تمایل آذربایجان به واردات از بازارهای ایران است.

۴. مدل جاذبه

نظریه مدل جاذبه یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در تجارت خارجی است که به‌طور گسترده در تجارت بین‌الملل استفاده می‌شود و برای توضیح و بررسی میزان و چگونگی تأثیر عوامل مؤثر بر تجارت متقابل همچون مجاورت جغرافیایی، اندازه و تشابه‌های اقتصادی و توسعه اقتصادی به کار می‌رود. این نظریه بر قانون جاذبه نیوتن استوار است؛ بدین مفهوم که تجارت متقابل نسبت مستقیم با اندازه اقتصاد (حجم تولید ناخالص داخلی) و نسبت معکوس با فاصله دارد. این نظریه را، در دهه ۱۹۶۰م، ژان تینبرگن^۱ هلندی برای توضیح جریان‌های متقابل تجاری استفاده کرد. در مطالعات گوناگون، اقتصاددانان متوجه شدند که اگر دو کشور تولید ناخالص داخلی سرانه مشابهی داشته باشند، حجم تجارت میان آن‌ها بیشتر است تا اینکه دو کشور از لحاظ تولید ناخالص داخلی سرانه متفاوتی داشته باشند.

1. Jan Tinbergen

به تدریج روشن شد که کشورها به معامله با کشورهای نزدیک، هم‌کیش و هم‌سان تمایل بیشتری دارند (طیبی و آذربایجانی، ۱۳۸۰). مدل‌های جاذبه عموماً منطقه‌ای هستند تا بین منطقه‌ای که ساختار آن به شکل مناسبی در مطالعات کلاسن^۱ (۱۹۷۱) و وان ویکرن^۲ (۱۹۶۹) مطرح شده است و به‌طور گسترده در تجارت بین‌الملل برای توضیح جریان‌های تجاری بین‌الملل به کار برده می‌شود (همان).

برآورد ظرفیت تجاری بین دو کشور با استفاده از مدل جاذبه و در نظر گرفتن عواملی مانند اندازه اقتصاد، فاصله جغرافیایی، زبان مشترک، تاریخ مشترک، و شباهت در سلیق و فرهنگ مصرف‌کنندگان صورت می‌گیرد. در ساده‌ترین شکل، تابعی مستقیم از اندازه اقتصاد (جرم) و تابعی معکوس از فاصله جغرافیایی بین دو کشور در نظر گرفته می‌شود.

$$T_{ij} = F(GDP_i, GDP_j, DIS_{ij}) \quad (1)$$

T_{ij} : جریان تجاری متقابل بین کشور واردکننده (i) و صادرکننده (j)

GDP_i : تولید ناخالص داخلی کشور صادرکننده (i)

GDP_j : تولید ناخالص داخلی کشور واردکننده (j)

DIS_{ij} : فاصله بین دو کشور واردکننده و صادرکننده (i و j)

در مدل جاذبه، GDP نمایانگر اندازه اقتصاد (جرم در نظریه نیوتن) است. توانایی جذب و تولید محصولات به‌طور مستقیم به GDP کشورها بستگی دارد. به عبارت دیگر، حجم جریان تجاری دوجانبه ارتباطی مستقیم با تولید ناخالص داخلی آن دو کشور و رابطه معکوسی با فاصله جغرافیایی دارد. با توجه به هزینه حمل‌ونقل و هزینه برقراری ارتباط بین واردکنندگان و صادرکنندگان، مقررات و تشریفات گمرکات متعدد بین‌راهی و گمرکات مبدأ و مقصد، فاصله جغرافیایی متغیری است که بر حجم و جریان تجارت بین دو کشور شرکت‌کننده در تجارت تأثیر منفی خواهد داشت. هرچه فاصله جغرافیایی بین دو شریک تجاری (هزینه حمل‌ونقل و برقراری ارتباط، تطویل زمان و انجام تشریفات ترخیص) بیشتر باشد، جریان تجاری بین دو کشور نیز کمتر خواهد شد. امروزه، در مدل جاذبه، جریان تجارت بین‌المللی متقابل تابعی از تولید ناخالص داخلی کشورها، جمعیت، فاصله

1. Kelaasen

2. van Wickeren

کشورها، مرز مشترک، قراردادهای اقتصادی و فرهنگی، همانندی فرهنگی و زبانی، امکانات و تسهیلات گمرکی و تجارت متقابل، عضویت در بلوک‌ها و توافقنامه‌های تجاری-اقتصادی در نظر گرفته شده است و استفاده از متغیرهای مجازی را نیز در بر می‌گیرد.

در تحقیق حاضر، برای بررسی ظرفیت تجاری بین دو کشور ایران و آذربایجان، از مدل جاذبه استفاده شده است که حجم تجارت خارجی دوجانبه و آمار و ارقام مربوط به دیگر متغیرهای در نظر گرفته در مدل، با شرکای عمده تجاری یکدیگر به‌طور دوجانبه در مقطع زمانی ۲۰۱۸م جمع‌آوری و وارد مدل شده است.

برای برآورد مدل از متغیرهای تولید ناخالص داخلی کشورها به‌عنوان متغیر حجم و بزرگی اقتصاد شرکای تجاری و فاصله بین پایتخت‌های کشورها (DIS_{ij}) به‌عنوان متغیر فاصله جغرافیایی و از متغیر لیندر به‌عنوان متغیر مشابهت اقتصادی کشورهای صادرکننده و واردکننده و شرکای آن‌ها با یکدیگر استفاده شده است. حجم تجارت متقابل تابعی از GDP_i ، DIS_{ij} و GDP_j و مشابهت اقتصادی (متغیر لیندر LIN) در نظر گرفته شده است.

$$T_{ij} = F(GDP_i, GDP_j, DIS_{ij}, LIN_{ij})$$

$$T_{ij} = A \cdot GDP_i^{\beta_1} \cdot GDP_j^{\beta_2} \cdot DIS_{ij}^{\beta_3} \cdot LIN_{ij}^{\beta_4}$$

$$\log T_{ij} = \log(A \cdot GDP_i^{\beta_1} \cdot GDP_j^{\beta_2} \cdot DIS_{ij}^{\beta_3} \cdot LIN_{ij}^{\beta_4}) \quad (2)$$

$$\log T_{ij} = \alpha + \beta_1 \cdot \log GDP_i + \beta_2 \cdot \log GDP_j + \beta_3 \cdot \log DIS_{ij} + \beta_4 \cdot \log LIN_{ij} + U_{ij}$$

$$LIN_{ij} = (PGDP_i \cdot PGDP_j)^2$$

LIN_{ij} : مشابهت اقتصادی کشور صادرکننده (i) و کشور واردکننده (j)

$PGDP_i$: تولید ناخالص سرانه کشور صادرکننده (i)

$PGDP_j$: تولید ناخالص سرانه کشور صادرکننده (i)

DIS_{ij} : فاصله جغرافیایی کشور صادرکننده (i) و کشور واردکننده (j)

U_{ij} : جمله اخلال

متغیر لیندر (LIN) نشان‌دهنده وجه مشابهت اقتصاد دو کشور صادرکننده و واردکننده است. از آنجاکه طبق این نظریه کشورهای با اقتصاد مشابه برای تجارت متقابل، نسبت به کشورهای با اقتصادهای غیرمشابه، تمایل بیشتری دارند، این متغیر وارد مدل شده است. در واقع، یکی از مناسب‌ترین روش‌هایی که مشابهت اقتصادی دو کشور را نشان می‌دهد درآمد سرانه آن‌هاست و متغیر لیندر

یکی از روش‌هایی است که با استفاده از تولید ناخالص سرانه مشابهت دو کشور را نشان می‌دهد و به صورت توان دوم تفاوت تولید ناخالص سرانه بین شرکای تجاری محاسبه می‌شود که در آن $PGDP_i$ و $PGDP_j$ به ترتیب تولید ناخالص سرانه کشور صادرکننده و واردکننده است.

۵. برآورد مدل

با بهره‌گیری از مدل جاذبه و در نظر گرفتن متغیرهای بزرگی (حجم) و تشابه اقتصادی و فواصل کشورها و نیز فرمول (۲)، ظرفیت تجارت خارجی دوجانبه بین ایران و آذربایجان با یکدیگر و بقیه شرکای عمده تجاری آن‌ها برآورد شده است. در این مدل، کشورهایی از مناطق و قاره‌های مختلف با فاصله‌های جغرافیایی و با شرایط اقتصادی متفاوت در نظر گرفته شده است. در تخمین مدل، طرف‌های عمده تجاری ایران و آذربایجان و دیگر کشورهای وارد شده در مدل و آمارهای مربوط به مبادلات تجاری و دیگر متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده، منابع و داده‌های آماری همایش توسعه و تجارت ملل متحد آنکتاد، سالنامه‌های آماری گمرک ایران و کمیته آمار جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۸ جمع‌آوری شد. سپس، با استفاده از روش حداقل مربعات^۱ (OLS) تخمین زده شد و ظرفیت تجارت متقابل بین دو کشور برآورد شد. مطابق انتظارات نظریه مدل جاذبه، انتظار بر این است که ضرایب حجم یا بزرگی اقتصاد کشورهای صادرکننده و واردکننده در نظر گرفته شده در مبادلات دوجانبه در مدل ضریب GDP کشورهای صادرکننده و واردکننده دارای علامت مثبت و ضریب متغیر فاصله جغرافیایی علامت منفی و مشابهت اقتصادی کشورهای مذکور در مبادلات دوجانبه در مدل دارای علامت منفی باشد.

۵.۱. نتیجه برآورد مدل

$$LT_{ij} = -18.82 + 0.98LGDP_i + 1.064LGDP_j - 0.84LDIS_{ij} - 0.081043LLIN_{ij}$$

$$R\text{-squared} = 0.696409 \quad \text{Adjusted R-squared} = 0.693769 \quad (3)$$

نتیجه تخمین و برآورد ضرایب مدل نشان می‌دهد که تمامی ضرایب متغیرهای مدل تخمین زده شده دارای علائم مورد انتظار هست و تمامی ضرایب در حد بالایی نیز معنادار است.

1. Ordianeri Least Squares

۳۷۲ ظرفیت تجاری و چشم‌انداز توسعه در روابط تجاری ایران و آذربایجان با استفاده از مدل جاذبه

جدول ۳. نتایج عددی تخمین مدل

متغیر	ضرایب	Std. Er	آزمون	نتیجه عددی آزمون
Constant	-۱۸/۸۲۰۳۲ (-۱۴/۷۳۰۸۰)	۱/۲۷۷۶۱۷	R-squared	۰/۶۹۶۴۰۹
LGDP _i	۰/۹۸۰۶۹۲ (۲۷/۳۳۴۴۳)	۰/۰۳۵۸۷۸	Adjusted R-squared	۰/۶۹۳۷۶۹
LGDP _j	۱/۰۶۴۴۱۳ (۱۹/۸۳۶۸۰)	۰/۰۵۳۶۵۸	S.E. of regression	۱/۶۴۴۴۳۹
LDIS _{ij}	-۰/۸۴۲۰۹۷ (-۷/۶۱۷۳۷۰)	۰/۱۱۰۵۵۰	F-statistic	۲۳۶/۷۹۸۷
LLIN _{ij}	-۰/۰۸۱۰۴۳ (-۲/۶۷۱۳۲۳)	۰/۰۳۰۳۳۸	Durbin-Watson stat	۱/۸۲۱۲۹۰

در مدل برآوردشده، ضریب متغیر LGDP_i مثبت و برابر ۰/۹۸ است؛ یعنی، هرچه اقتصاد کشور صادرکننده بزرگ‌تر باشد، حجم مبادله دوجانبه نیز بیشتر خواهد بود. ضریب LGDP_j نیز مثبت و ۱/۰۶ است که تأثیر مثبت بزرگی اقتصاد کشور واردکننده را بر حجم تجارت خارجی ایران نشان می‌دهد.

علامت ضریب متغیر LDIS_{ij} منفی و ۰/۸۴ است که تأثیر منفی فاصله جغرافیایی را در جریان تجارت متقابل ایران و شرکای تجاری آن و با توجه به رقم تخمین‌زده‌شده نشان می‌دهد و تأثیر آن نیز قابل‌ملاحظه و معنادار است.

ضریب متغیر LLIN_{ij} نیز منفی و مطابق انتظارات مدل است. هرچند میزان ضریب متغیر لیندر در مقایسه با سایر ضرایب کمتر است، تأثیر آن بر حجم تجارت متقابل منفی است؛ بدین مفهوم که هرچه تفاوت تولید ناخالص داخلی سرانه دو کشور شرکت‌کننده در تجارت متقابل بیشتر باشد، به عبارت دیگر هرچه اقتصادهایشان تفاوت بیشتری داشته باشد، بر حجم تجارت خارجی تأثیر منفی می‌گذارد؛ و برعکس، هرچه اقتصاد آن‌ها تشابه بیشتری داشته باشد، متغیر لیندر کوچک‌تر و بر حجم مبادله دوجانبه تأثیر مثبت می‌گذارد.

همچنین، طبق نتیجه به‌دست‌آمده از مطالعات هراتی، بهرادامین و کهرازه (۱۳۹۴) که با استفاده از مدل جاذبه بررسی شده است، متغیرهای مرز مشترک، زبان مشترک و عضویت در موافقتنامه‌ها بر صادرات ایران به کشورهای درحال توسعه تأثیر مثبت دارد و مطابق با نتایج این تحقیق است. از آنجاکه

جمهوری آذربایجان مرزهای گسترده آبی و خاکی، و امکانات گسترده گمرکی با ایران دارد و به دلیل عضویت مشترک در موافقتنامه‌هایی - از قبیل اکو، سازمان کنفرانس اسلامی، موافقتنامه سه‌جانبه ایران - ترکیه - آذربایجان - همچنین، به سبب ارتباط نزدیک آذربایجان با کشورهای عضو اوراسیا، ظرفیت زیادی برای برقراری ارتباط تجاری متقابل با ایران وجود دارد. از طرف دیگر، نظر به رشد بالای GDP آذربایجان و رابطه مثبت آن با حجم تجارت آن کشور، چشم‌انداز توسعه روابط اقتصادی - تجاری ایران و آذربایجان طبق نتیجه مدل فراهم می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مطالعه، وضعیت مبادلات تجاری ایران و آذربایجان طی دوره ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۸م بررسی و چشم‌انداز توسعه رابطه بین دو کشور و عوامل ارتقای آن با استفاده از مدل جاذبه، موشکافی و نتایج کلی زیر ارائه می‌شود.

۱. در شرایط یکپارچگی اقتصاد منطقه‌ای و افزایش وابستگی اقتصاد کشورها به یکدیگر، گسترش روابط اقتصادی - تجاری برای رشد و توسعه، ضرورتی انکارناپذیر برای تمامی کشورها از جمله ایران است. تلاش کشورها برای افزایش مشارکت در تجارت بین‌الملل، کسب منافع و سهم آن‌ها از بازارهای جهانی بروز رقابت و سخت‌تر شدن ورود به بازارهای جهانی را موجب شده است. در چنین شرایطی برای کشورهای که برای ورود به چنین بازارهایی آمادگی لازم را ندارند، همکاری دو یا چندجانبه، به‌ویژه با کشورهای همسایه در قالب موافقتنامه تجاری و همگرایی منطقه‌ای روشی مؤثر برای ورود تدریجی به بازارهای جهانی است.

۲. روابط اقتصادی و تجاری جمهوری آذربایجان در سال‌های اولیه استقلال این کشور با ایران شکل گرفت. به سبب وجود همانندی‌های فرهنگی، تاریخی و زبانی، به سرعت نیز گسترش یافت، به گونه‌ای که حجم تجارت دو کشور طی پنج سال از ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۷م چنان توسعه پیدا کرد که در سال ۱۹۹۷م تا حدود ۳۰ درصد کل حجم تجارت خارجی آذربایجان را تجارت با ایران تشکیل می‌داد. لیکن، پس از سال ۱۹۹۷م، سهم ایران از حجم تجارت آذربایجان به دلایلی از قبیل بی‌توجهی به روش‌های بازاریابی، موانع گمرکی و مالی و ضعف دیپلماسی اقتصادی، به تدریج سیر نزولی به خود گرفت و تا ۰/۵۶ درصد در سال ۲۰۱۵م کاهش یافت.

۳. علی‌رغم وجود عوامل ژئوپلیتیکی و جغرافیایی مثبت و پیونددهنده‌ای همچون همسایگی، مرزهای مشترک، امکانات گسترده گمرکی، همانندی‌های فرهنگی، تاریخی، زبانی و تجانس جمعیتی که مطابق نظریه مدل جاذبه هر کدام عامل مثبت و مهمی در گسترش تجارت دوجانبه بین ایران و شرکای تجاری به‌شمار می‌آید، دو کشور نتوانسته‌اند از ظرفیت و تأثیر مثبت این عوامل در گسترش روابط تجاری به‌اندازه کافی بهره‌مند شوند.
۴. نتیجه برآورد مدل جاذبه نشان می‌دهد که تجارت دوجانبه ایران با تولید ناخالص داخلی شرکای تجاری ارتباط مستقیمی دارد. این ضریب متغیر $1/0644$ و دارای علامت مثبت و معنادار است و بیشترین تأثیر مثبت را در گسترش تجارت متقابل ایران در بین متغیرهای در نظر گرفته شده در مدل تخمینی دارد. از آنجاکه حجم GDP جمهوری آذربایجان طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸م سالانه به‌طور متوسط بیش از ۹ درصد، یعنی بیش از سه برابر متوسط جهانی، افزایش دارد، فرصت و ظرفیت بزرگی برای گسترش تجارت دوجانبه بین ایران و آذربایجان به‌وجود آورده است.
۵. متغیر فاصله جغرافیایی به‌سبب هزینه‌های ناشی از حمل و برقراری ارتباط و مسائل مربوط به تشریفات گمرکی، بر گسترش تجارت دوجانبه تأثیر معکوس دارد. در برآورد مدل تأثیر متغیر فاصله $-0/842$ ، مطابق انتظارات مدل است و تأثیر منفی آن بر تجارت متقابل ایران در خور توجه است. نظر به نزدیکی فاصله دو کشور، نزدیکی مراکز تولید و مصرف، امکانات گسترده گمرکی و راه‌های ارتباطی امکان گسترش تجارت متقابل میسر می‌شود.
۶. با گذشت زمان، درآمد سرانه جمهوری آذربایجان به‌سرعت افزایش یافت و تشابه اقتصاد دو کشور با همدیگر بیشتر شد. طبق برآورد مدل و ضریب به‌دست‌آمده نقش و ظرفیت مثبت آن در افزایش تجارت دوجانبه بین دو کشور محسوس است.
۷. با توجه به نتایج برآورد مدل و ضریب به‌دست‌آمده و ظرفیت‌های موجود بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان و در نظر گرفتن شاخص‌های اقتصادی و روند گسترش این شاخص‌ها امکان گسترش حجم تجارت دوجانبه و متقابل دو کشور حداقل به میزان دو برابر حجم فعلی توسعه‌پذیر است.

۸. نتایج تخمین این مدل نشان می‌دهد که تجارت دوجانبه ایران و عوامل مؤثر بر تجارت دوجانبه با طرف‌های مهم تجاری تا حدود زیادی با عوامل الگوی جاذبه توجیه‌پذیر است. همچنین، ضرایب مدل برآوردشده در خور توجه و مطابق با انتظار الگوست. دو کشور می‌توانند در صورت استفاده از ظرفیت موجود و عوامل پیونددهنده از طریق بهره‌مندی از دیپلماسی اقتصادی، افزایش فعالیت‌های اتاق‌های بازرگانی و بخش‌های خصوصی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک، استفاده از ظرفیت‌های ترانزیتی و امکانات تکمیلی همدیگر در این زمینه و توافقنامه‌ها و همکاری‌های دوجانبه یا چندجانبه حجم روابط تجاری متقابل را به‌اندازه قابل ملاحظه‌ای افزایش دهند.

۹. از آنجاکه یکی از موانع اصلی گسترش روابط اقتصادی و تجاری دو کشور مسائل مربوط به اختلافات آذربایجان و ارمنستان بوده است، نظر به حل این بحران و حمایت ایران از تمامیت ارضی آذربایجان در جنگ بین دو کشور آذربایجان و ارمنستان، فصل جدیدی در راستای گسترش و بهبود روابط بین دو کشور گشوده شده است که با بهره‌گیری از دیپلماسی فعال و مناسب و همراهی بخش خصوصی، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند ضمن استفاده بهتر از ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود و حضور فعال‌تر در بازارهای آذربایجان از موقعیت ممتاز این کشوری برای ورود مؤثر به بازارهای کشورهای هم‌سود نیز بهره‌مند شود.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

منابع

- آقایی م، رضاقلی‌زاده م، محمدرضایی م. (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی و تجاری بر روابط تجاری ایران و کشورهای شریک عمده تجاری». *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*. ۸(۲۸): ۴۹-۶۸.
- امینی م، زارع سع، رفیعی ح. (۱۳۹۹). «بررسی اثر عضویت ایران در موافقتنامه‌های تجاری بر صادرات پسته ایران». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*. ۲۸(۱۱۰): ۲۰۵-۲۲۵.
- تقوی م، نیکزاد م. (۱۳۸۷). «تأثیر موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی بر روی توسعه تجارت خارجی با استفاده از مدل اسمارت». *پژوهشنامه اقتصادی*. ۸(۲۹): ۱۸۱-۲۰۴.
- ذکی ی، ولیقلی‌زاده ع. (۱۳۹۳). «بررسی و تحلیل موانع ژئوپلیتیکی مناسبات اقتصادی ایران و جمهوری آذربایجان». *پژوهشنامه جغرافیایی انسانی*. ۴۶(۳): ۵۴۱-۵۶۰.
- سعادت ر، محسنی ن. (۱۳۹۳). «بررسی همگرایی اقتصادی میان ایران و کشورهای حوزه دریای خزر». *پژوهشنامه بازرگانی*. ۹(۷۳): ۲۹-۵۴.
- شقایق شهری و. (۱۳۹۶). «یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری مستقیم متقابل». *پژوهشنامه بازرگانی*. ۲۱(۸۱): ۲۷-۶۳.
- طیبی ک، آذربایجانی ک. (۱۳۸۰). «بررسی پتانسیل تجاری موجود میان ایران و اوکراین، کارگیری مدل جاذبه». *پژوهشنامه بازرگانی*. ۲۱: ۶۱-۸۲.
- فیروزآبادی س ج، مرادی آ. (۱۳۸۶). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی». *دوفصلنامه ایراس*. ۵(۶ و ۷): ۵-۴۵.
- کریم‌زادی م، خوانساری ف. (۱۳۹۶). «تبیین زمینه‌های همگرایی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان و چالش‌های آن». *مطالعات اوراسیای مرکزی*. ۱۰(۱): ۱۷۱-۱۸۸. doi: <https://doi.org/10.22059/jcep.2017.62906>
- کولایی ا. (۱۳۹۶). «دیپلماسی علمی ایران در قفقاز جنوبی. مطالعه موردی جمهوری آذربایجان». *دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*. ۱۱(۱): ۹-۳۱.
- کیانی ج، بیرانوند ر. (۱۳۹۷). «شناسایی عوامل همگرایی و واگرایی در روابط ایران با جمهوری آذربایجان». *پژوهشنامه مطالعات مرزی*. ۶(۳): ۵۵-۷۸.
- مجتهدزاده پ، پویان ر، کریمی‌پور ی. (۱۳۸۷). «تحلیل و همپوشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان با واقعیت‌های ژئوپلیتیک». *فصلنامه مدرس*. ۱۲(۲): ۲۱۳-۲۵۵.
- مهکویی ح. (۱۳۹۸). «تأثیر اتحادیه اوراسیا بر موقعیت ژئواکونمیک جمهوری اسلامی ایران». *مطالعات اوراسیای مرکزی*. ۱۲(۲): ۵۱۹-۵۳۸.
- نصیرزاده م، حسینی م. (۱۳۹۱). «ارزیابی و برآورد ظرفیت تجاری ایران با جمهوری

آذربایجان». مطالعات اوراسیای مرکزی. ۵(۱۱): ۱۱۵-۱۳۴.
هراتی ج، بهرادامین م، کهرازه س (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر بر صادرات ایران (کاربرد
الگوی جاذبه). پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی. ۶(۲۱): ۲۹-۴۶.

Griffin KB (1999). *Alternative Strategies for Economic Development*. St. Martin's Press.

Rasoulinezhad E, Jabalameli F. (2019). "Russia-EU gas game analysis: Evidence from a new proposed trade model". *Environmental Science and Pollution Research International*. 24: 24482-24488.

Statistical Indicators of Azerbaijan. (2018). Statistics Committee of Azerbaijan. Baku. Az.